

تحلیل معنایی واژه «میزان» در آیه شریفه «اللَّهُ الَّذِي أَنْزَلَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ وَالْمِيزَانَ»

نعمت‌الله فیروزی

استادیار گروه الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه بین‌المللی امام رضا (ع)، مشهد مقدس، ایران (نویسنده مسئول)
firoozi@imamreza.ac.ir

فائزه دبیر

دانشجوی کارشناسی ارشد الهیات و معارف اسلامی گرایش علوم قرآن و حدیث، دانشگاه بین‌المللی امام رضا (ع)، مشهد مقدس، ایران.
faezeh.dabir@imamreza.ac.ir

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله علمی - ترویجی صفحه (۱۷۳-۱۵۰) دریافت: ۱۴۰۴/۰۵/۲۱ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۱/۰۸	واژه «میزان» و مشتقات آن یکی از مفاهیم خاص قرآن کریم است که در آیه ۱۷ سوره شوری نیز با عبارت «اللَّهُ الَّذِي أَنْزَلَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ وَالْمِيزَانَ» به کار رفته است. این واژه با وجود معنای لغوی روشن به عنوان ابزار سنجش، در بافت قرآنی از عمق و گستردگی مفهومی برخوردار است و تفاسیر متنوعی را به خود اختصاص داده است. روش تحقیق این مطالعه، تحلیلی - تطبیقی است که با استناد به منابع تفسیری معتبر و با تمرکز بر آیه ۱۷ سوره شوری انجام شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که «میزان» در پنج چهارچوب تفسیری اصلی قابل تحلیل است: ۱) ترازوی مادی به عنوان ابزار سنجش فیزیکی؛ ۲) نماد عدالت الهی در روابط انسانی و اجتماعی؛ ۳) شریعت الهی به عنوان مجموعه قوانین حاکم بر اعمال و رفتار؛ ۴) پیامبر اکرم (ص) و ائمه معصومین (ع) به عنوان مصادیق عینی عدالت؛ و ۵) قرآن کریم به عنوان معیار سنجش حق و باطل. در میان این دیدگاه‌ها، تفسیر شیعی بر تجلی میزان در شخصیت معصومین (ع) تأکید دارد، در حالی که تفاسیر اهل سنت بیشتر بر جنبه‌های عمومی شریعت و عدالت اجتماعی تمرکز کرده‌اند. این پژوهش با ارائه تحلیلی جامع از مفهوم «میزان»، نشان می‌دهد که این واژه نه تنها به عدالت فردی و اجتماعی اشاره دارد، بلکه به عنوان محوری برای هدایت و سنجش اعمال در نظام فکری قرآن عمل می‌کند. تحلیل نهایی

پژوهش نشان می‌دهد که رویکردهای تفسیری مختلف را می‌توان در چهارچوب رابطه «مفهوم کلی» و «مصادق عینی» تحلیل کرد، به گونه‌ای که تفسیر «میزان» به عنوان مصادق اتم (معصومین)، تکمیل‌کننده و عینیت‌بخش مفهوم «عدالت» و «شریعت» به عنوان مفهوم مورد تأکید در تفاسیر دیگر است. نتایج این تحقیق می‌تواند به درک عمیق‌تر مفاهیم قرآنی و تقریب دیدگاه‌های مذاهب اسلامی کمک کند.

میزان، تفسیر تطبیقی، معناشناسی، سوره شوری، عدالت الهی، شریعت، قرآن کریم.

کلیدواژه‌ها

۱. بیان مسئله

تحلیل معنایی واژگان کلیدی قرآن کریم همواره از اهمیت ویژه‌ای در مطالعات قرآنی برخوردار بوده است. در این میان، واژه «میزان» در آیه ۱۷ سوره شوری به عنوان یکی از مفاهیم محوری مطرح شده که نیازمند واکاوی عمیق و همه‌جانبه است. بررسی تفاسیر مختلف نشان می‌دهد که این واژه، معانی متنوع و گاه متفاوتی به خود گرفته است. از عدالت الهی و شریعت گرفته تا قرآن کریم و شخصیت پیامبر اکرم ﷺ و ائمه علیهم‌السلام، همگی به عنوان مصادیق این مفهوم مطرح شده‌اند.

این تنوع تفسیری تنها ناشی از اختلافات مذهبی نیست، بلکه نشان‌دهنده ظرفیت بالای این مفهوم در نظام معرفتی قرآن است. با این حال، به رغم مطالعات متعددی که در این زمینه انجام شده، هنوز خلأهای پژوهشی قابل توجهی وجود دارد. مهم‌ترین این کاستی‌ها عبارت‌اند از: وجود نداشتن رویکرد نظام‌مند در بررسی این مفهوم، غلبه نگاه معادشناختی بر دیگر ابعاد مفهومی و محدود بودن مطالعات تطبیقی به چند تفسیر خاص. پژوهش حاضر با توجه به این خلأهای پژوهشی، درصدد است با روشی تحلیلی - تطبیقی و با استناد به گستره وسیعی از تفاسیر معتبر شیعه و سنی، به بررسی جامع این مفهوم بپردازد. در این راستا، پرسش اصلی تحقیق این است که دلالت‌های معنایی واژه «میزان» در آیه مورد نظر چیست و چگونه می‌توان به خوانشی جامع از این مفهوم دست یافت؟

اهمیت این پژوهش از چند جهت قابل توجه است: نخست آنکه این مفهوم به عنوان یکی از ارکان عدالت الهی، هم در ساحت فردی و هم در عرصه اجتماعی کاربرد دارد. دوم آنکه فهم دقیق آن می‌تواند به تقریب دیدگاه‌های مذاهب اسلامی کمک کند، و سوم آنکه نتایج این تحقیق می‌تواند مبنایی برای مطالعات میان‌رشته‌ای در حوزه‌های مختلف علوم انسانی قرار گیرد. این مطالعه با تمرکز بر آیه ۱۷ سوره شوری و با بهره‌گیری از روش تحلیلی- تطبیقی، در پی آن است تا با بررسی تفاسیر مختلف، به درکی نظام‌مند از این مفهوم دست یابد. بدین ترتیب می‌توان امیدوار بود که این پژوهش گامی در جهت پر کردن خلأهای موجود در ادبیات موضوع باشد.

۲. پیشینه پژوهش

تحقیقات متعددی در حوزه تفسیر و مفهوم شناسی «میزان» در قرآن کریم انجام شده است که هریک از زوایای مختلفی به این موضوع پرداخته‌اند، لکن مطالعات نشان می‌دهد که پژوهش‌های پیشین بیشتر در سه حوزه کلی قابل دسته‌بندی هستند: نخست، پژوهش‌های لغوی - تفسیری که به ریشه‌شناسی و معانی مختلف واژه «میزان» در قرآن پرداخته‌اند. در این میان، کارهای محققانی مانند راغب اصفهانی در مفردات الفاظ القرآن و ابن منظور در لسان العرب از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است که به تحلیل معناشناختی این واژه در بافت قرآنی توجه کرده‌اند.

دوم، پژوهش‌های تفسیری تطبیقی که به مقایسه دیدگاه‌های مفسران فریقین درباره این مفهوم پرداخته‌اند. از جمله می‌توان به تحقیقاتی اشاره کرد که تفاسیر مهمی مانند المیزان طباطبایی، مجمع البیان طبرسی، الکشاف زمخشری و روح المعانی آلوسی را بررسی کرده‌اند. این مطالعات بیشتر به وجوه اشتراک و افتراق دیدگاه‌های مفسران شیعه و سنی پرداخته‌اند.

سوم، پژوهش‌های موضوعی که مفهوم میزان را در پیوند با دیگر مفاهیم قرآنی؛ مانند عدل، قسط، توازن و معاد بررسی کرده‌اند؛ برای مثال، مطالعه «مفهوم میزان در قرآن و روایات» اثر نسرين ذاکری (۱۳۹۵) به تحلیل این واژه در بستر معادشناختی پرداخته و آن را به عنوان معیار سنجش اعمال در قیامت بررسی کرده است. همچنین مطالعه ربابه قفایی

(۱۳۹۷) با عنوان «بررسی مفهوم معادشناختی میزان در قرآن و تفاسیر» به تحلیل تطبیقی این مفهوم در تفاسیر مختلف پرداخته است. با وجود این پژوهش‌های ارزشمند، خلأهای قابل توجهی در ادبیات موضوع مشاهده می‌شود. نخست آنکه بسیاری از تحقیقات پیشین به صورت پراکنده و بدون روش‌شناسی نظام‌مند به این موضوع پرداخته‌اند. دوم، تمرکز اغلب مطالعات بر جنبه‌های معادشناختی «میزان» بوده و ابعاد اجتماعی و کارکردی آن در زندگی دنیوی کمتر مورد توجه قرار گرفته است. سوم، مطالعات بیشتر محدود به چند تفسیر خاص بوده و جامعیت لازم را نداشته‌اند.

مقاله حاضر با توجه به این خلأها، درصدد است با رویکردی نظام‌مند و روش‌شناختی، به بررسی جامع مفهوم میزان در آیه ۱۷ سوره شوری بپردازد. نوآوری این تحقیق در چند محور قابل توجه است: اولاً استفاده از روش تحلیلی - تطبیقی با استناد به گستره وسیعی از تفاسیر معتبر شیعه و سنی؛ ثانیاً توجه هم‌زمان به ابعاد فردی و اجتماعی مفهوم میزان؛ ثالثاً ارائه تحلیلی جامع که بتواند وجوه مختلف این مفهوم را در یک چهارچوب نظری منسجم تبیین کند. بنابراین تفاوت اساسی در این است که به جای تمرکز صرف بر یک بُعد خاص (مثلاً معادشناختی)، به تحلیل چندسطحی مفهوم میزان می‌پردازد و ارتباط آن را با مفاهیم کلیدی دیگر در قرآن؛ مانند عدل، کتاب و قسط بررسی می‌کند.

۳. مفهوم‌شناسی

میزان: به عنوان وسیله‌ای برای سنجش و موازنه اشیاء مطرح است که شامل ابزارهایی چون ترازو، پیمان و مقیاس است؛ اما معنای گسترده‌تر، شامل هر چیزی است که برای سنجش به کار رود، چه در گفتار و چه در کردار، که به نوعی میزان دقیق و عادلانه‌ای از رفتار و عمل را نشان می‌دهد. این کلمه نه بار به صورت میزان و هفت بار به صورت موازین در قرآن ذکر شده است که نشان‌دهنده اهمیت فراوان عدالت و تعادل در رفتارها و اعمال انسان‌ها از دیدگاه قرآن است (قرشی، ۱۳۷۱: ۲۰۸/۷؛ طریحی، ۱۳۷۵: ۳۲۵/۶؛ محقق، ۱۳۸۰: ۹۸/۱۳).

مراد از میزان، در معنای عمیق‌تر، دین و شریعت الهی است. در این صورت، «الْمِيزَان»

بیانگر کتاب الهی یا توضیحی جامع پس از یک نکته خاص است؛ یعنی میزان به عنوان نمادی از قانون و شریعتی که خداوند برای هدایت و نجات انسان‌ها فرستاده، در نظر گرفته می‌شود. این مفهوم به روشنی در متون اسلامی و قرآن آمده است (قرشی، ۱۳۷۱: ۲۰۹/۷). فلسفه وزن کردن نیز ایجاد تعادل و برابری در اندازه‌گیری است و این مفهوم به خوبی نشان‌دهنده اهمیت برقراری تعادل در تمامی جنبه‌های زندگی است (حمیری، ۱۴۲۰: ۷۱۵۰/۱۱). در نتیجه می‌توان گفت «میزان» در هستی‌شناسی قرآنی، مفهومی کلیدی و چندلایه است که از ابزاری فیزیکی برای سنجش آغاز می‌شود؛ اما حقیقت آن، تجسم عینیت، عدالت و تعادل در قوانین الهی حاکم بر جهان هستی و شریعت است. بنابراین میزان، تجلی‌گر فلسفه توحیدی برقراری تعادل در تمام سطوح مادی و معنوی زندگی بشر است.

کتاب: واژه «کتاب» در اصل از ریشه «ک - ت - ب» به معنای جمع کردن، ضمیمه نمودن و نوشتن است؛ از این رو به هر چیزی که امور در آن جمع و ثبت شود، اطلاق می‌گردد (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۷۰۱؛ ابن منظور، ۱۴۱۴: ۱۹۹/۱). این واژه گاه به معنای مصدری «نوشتن» و گاه به صورت اسم مفعول «مکتوب» به کار رفته است. از دیدگاه برخی لغویان، کتابت به معنای تثبیت و تقریر مقصود است و از این رو، قرآن به عنوان «کتاب» نامیده شده است؛ زیرا احکام و معارف آن تا قیامت ثابت و پایرجاست (زرکشی، ۱۴۱۰: ۳۷۳/۱؛ مصطفوی، ۱۳۶۸: ۲۰/۱۰-۲۳). مراد از «کتاب»؛ یعنی آنچه مشتمل بر شریعت و دین حاکم بر مجتمع بشری باشد و معنای «انزال آن به حق» این است که این کتاب حق محض است و آمیخته با اختلاف‌های شیطانی و نفسانی نیست (طباطبایی، ۱۳۵۲: ۳۸/۱۸). در جمع‌بندی می‌توان گفت واژه «کتاب» در نظام معنایی قرآن، تنها به معنای نوشته یا متن مکتوب محدود نمی‌شود، بلکه بیانگر مجموعه‌ای الهی، منسجم و تثبیت شده از معارف، احکام و شریعت است که به عنوان معیاری حقیقی و الهی برای هدایت جامعه بشری نازل شده است. این مفهوم، با تأکید بر جنبه‌های وحیانی، اعجاز و ابعاد تشریعی و تکوینی، جایگاه محوری در منظومه معرفت دینی دارد و به عنوان مرجع و میزان سنجش حق از باطل عمل می‌کند.

۴. بررسی جایگاه کلمه میزان و مشتقات آن در آیات قرآن کریم

واژه	تعداد تکرار	سوره/ آیه
میزان	۹ بار	۱. ﴿وَأَوْفُوا الْكَيْلَ وَالْمِيزَانَ بِالْقِسْطِ﴾ (انعام/۱۵۲)
		۲. ﴿فَأَوْفُوا الْكَيْلَ وَالْمِيزَانَ وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ﴾ (اعراف/۸۵)
		۳. ﴿وَلَا تَنْقُصُوا الْمِكْيَالَ وَالْمِيزَانَ﴾ (هود/۸۴)
		۴. ﴿وَيَا قَوْمِ أَوفُوا الْمِكْيَالَ وَالْمِيزَانَ بِالْقِسْطِ﴾ (هود/۸۵)
		۵. ﴿اللَّهُ الَّذِي أَنْزَلَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ وَالْمِيزَانَ﴾ (شوری/۱۷)
		۶. ﴿وَالسَّمَاءَ رَفَعَهَا وَوَضَعَ الْمِيزَانَ﴾ (الرحمن/۷)
		۷. ﴿أَلَّا تَظْهَرُوا فِي الْمِيزَانَ﴾ (الرحمن/۸)
		۸. ﴿وَأَقِيمُوا الْوَزْنَ بِالْقِسْطِ وَلَا تُخْسِرُوا الْمِيزَانَ﴾ (الرحمن/۹)
		۹. ﴿لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ﴾ (حدید/۲۵)
موازين	۷ بار	۱. ﴿فَمَنْ ثَقُلَتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾ (اعراف/۸)
		۲. ﴿وَمَنْ خَفَّتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَئِكَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ﴾ (اعراف/۹)
		۳. ﴿وَنَضَعُ الْمَوَازِينَ الْقِسْطَ لِيَوْمِ الْقِيَامَةِ فَلَا تُظْلَمُ نَفْسٌ شَيْئًا﴾ (انبیاء/۴۷)
		۴. ﴿فَمَنْ ثَقُلَتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾ (مؤمنون/۱۰۲)
		۵. ﴿وَمَنْ خَفَّتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَئِكَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ﴾ (مؤمنون/۱۰۳)
		۶. ﴿فَأَمَّا مَنْ ثَقُلَتْ مَوَازِينُهُ﴾ (قارعه/۶)
		۷. ﴿وَأَمَّا مَنْ خَفَّتْ مَوَازِينُهُ﴾ (قارعه/۸)

۱. «وَالْوِزْنُ يُوْزَنُ الْحَقُّ فَمَنْ ثَقُلَتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» (اعراف/ ۸)	۳ بار	وزن
۲. «فَحَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فَلَا تُنْقِمُ لَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَزْنًا» (کهف/ ۱۰۵)		
۳. «وَأَقِيمُوا الْوَزْنَ بِالْقِسْطِ وَلَا تُخْسِرُوا الْمِيزَانَ» (الرحمن/ ۹)		
۱. «وَأَوْفُوا الْكَيْلَ إِذَا كِلْتُمْ وَزَنُوا بِالْقِسْطَاسِ الْمُسْتَقِيمِ» (اسراء/ ۳۵)	۲ بار	زِنُوا
۲. «وَزِنُوا بِالْقِسْطَاسِ الْمُسْتَقِيمِ» (شعراء/ ۱۸۲)		
«وَإِذَا كَالُوهُمْ أَوْ وَزَنُوهُمْ يُخْسِرُونَ» (مطففين/ ۳)	۱ بار	وَزَنُوهُمْ
«وَأَتَّبَعْنَا فِيهَا مِنْ كُلِّ شَيْءٍ مَّوْزُونٍ» (حجر/ ۱۹)	۱ بار	موزون

جدول ۱: واژه میزان و مشتقات آن

۵. مفاد کلی آیه شریفه و شأن نزول آن

آیه ۱۷ سوره شوری با تأکید بر نزول قرآن و میزان (معیار سنجش حق و باطل) توسط خداوند آغاز می شود و به نزدیکی قیامت اشاره دارد: «اللَّهُ الَّذِي أَنْزَلَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ وَالْمِيزَانَ وَمَا يُدْرِيكُ لَعَلَّ السَّاعَةِ قَرِيبٌ». علامه طباطبایی بیان می کند که این آیه در سیاق آیاتی است که به توحید، نبوت و معاد اشاره دارد (طباطبایی، ۱۳۷۸: ۷۳/۱۸). برخی نیز بر این باور هستند که این آیه با هدف تأکید بر هدایت انسان ها و تذکر به اهمیت عدالت و آماذگی برای قیامت نازل شده است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۱۰۰/۲۰). از سوی دیگر، این آیه به مؤمنان یادآور می شود که آرزوهای دنیوی نباید آنان را از قیامت و وظایف دینی غافل کند. درحقیقت، نزول این آیه پاسخ به کسانی است که در حقانیت وحی و نزدیکی قیامت شک داشته اند (قرائتی، ۱۳۸۸: ۳۸۷/۸).

طبرسی با بیان اینکه میزان به معنای عدالت و شریعت الهی است، باور دارد که این مفاهیم اشاره به نزدیکی قیامت برای تشویق به تقوا و عمل صالح است (طبرسی، ۱۳۷۷: ۱۵۶).

۴۸۷/۵). سیوطی نیز در الدرّ المنثور تأکید می‌کند آیه دربارهٔ افرادی نازل شده که نسبت به نزول وحی و تحقق قیامت دچار تردید بوده‌اند (سیوطی، ۱۴۰۴: ۵/۶).

سورهٔ شوری از سوره‌هایی است که بر سه محور اصلی تأکید دارد: الف) توحید و قدرت مطلق خداوند؛ ب) هدایت انسان‌ها از طریق وحی؛ ج) یادآوری معاد و مسئولیت انسان‌ها در برابر خداوند.

ارتباط سیاقی: آیه ۱۷ مخاطبان را به نزدیکی قیامت و آماده‌باش برای آن توجه می‌دهد، در حالی که آیات بعد رفتار نابخردانه منکران را توصیف می‌کند. ارتباطات معنایی آیه شریفه با این قبل و بعد در بستر سیاق را می‌توان این‌گونه دسته‌بندی کرد:

۱. ارتباط آیه با هدایت و عدالت مبتنی بر نزول وحی و میزان (طباطبایی، ۱۳۷۸: ۷۳/۱۸)؛

۲. نزول قرآن و میزان به عنوان ابزار هدایت (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۱۰۰/۲۰)؛

۳. پیوند معنایی میان نزول وحی و قیامت (طبرسی، ۱۳۷۷: ۴۸۷/۵)؛

۴. نزدیکی قیامت و مسئولیت بیش از پیش انسان‌ها (قرائتی، ۱۳۸۸: ۳۸۷/۸)؛

۵. ارتباط آیات با انکار منکران قیامت و پاسخ به آنان (سیوطی، ۱۴۰۴: ۵/۶).

۶. بررسی تفسیری کلمه «میزان»

۱. دیدگاه اول: ابزار محسوس اندازه‌گیری و سنجش وزن مواد و کالاها

در میان تفاسیر مختلفی که دربارهٔ مفهوم «میزان» در آیه شریفه ارائه شده است، گروهی از مفسران بر این باورند که همان ترازوی ملموس و فیزیکی است که برای سنجش وزن اشیاء استفاده می‌شود (طوسی، ۱۴۱۳: ۱۵۴/۹؛ طبرسی، ۱۴۱۲: ۴۵/۴؛ طباطبایی، ۱۳۵۲: ۳۸/۱۸). در این نگاه، «میزان» به عنوان ابزاری عینی و محسوس برای اندازه‌گیری و سنجش وزن مواد و کالاها در معاملات روزمره در نظر گرفته می‌شود (عاملی، ۱۳۵۹: ۴۴۹/۷؛ شاه‌عبدالعظیمی، ۱۳۶۳: ۴۰۹/۱۱؛ فضل‌الله، ۱۴۳۹: ۳۹۱/۱۶؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۳۹۲/۲۰). از جبائی نیز نقل شده است که منظور از این میزان همان میزان معروف، یعنی ترازوست که خداوند آن را از آسمان در میان مردم نازل فرموده و به آنان یاد داده است که

چگونه به وسیله آن به حق رفتار کنند و چگونه با آن توزین نمایند (طبرسی، ۱۴۰۸: ۴۰/۹).

یکی از مفسران به ارتباط میان کتاب و میزان اشاره کرده، وجه عطف این دو را در اشتراک مفهوم عدالت می‌داند (کاشانی، ۱۳۳۶: ۲۰۷/۸). از این منظر، همان‌گونه که کتاب الهی مبنای هدایت و راهنمایی بشر است، میزان نیز مبنای برقراری عدالت در معاملات و روابط اقتصادی محسوب می‌شود. این تفسیر که بر جنبه مادی و کاربردی میزان تأکید دارد، به خوبی نشان می‌دهد که چگونه یک ابزار ساده فیزیکی می‌تواند نماد عدالت و انصاف در جامعه باشد. مفسرانی که از این دیدگاه حمایت می‌کنند، معتقدند نزول میزان از سوی خداوند به این معناست که او نه تنها این ابزار را در اختیار بشر قرار داده، بلکه شیوه صحیح استفاده از آن را نیز آموزش داده است تا از هرگونه ستم در معاملات جلوگیری شود. با این حال، این تفسیر با وجود ارزشمندی‌اش در تبیین جنبه‌های عملی و ملموس مفهوم میزان، از توضیح ابعاد گسترده‌تر این واژه در قرآن ناتوان است.

بنابراین، هرچند این نگرش در جای خود دارای ارزش تفسیری است و می‌تواند بخشی از معنای میزان از جمله جلوگیری از ظلم و بی‌عدالتی را در معاملات روزمره تبیین کند؛ اما به‌تنهایی نمی‌تواند توجیه‌کننده جایگاه والای میزان در نظام فکری قرآن و نقش محوری آن در سنجش اعمال انسان‌ها در دنیا و آخرت باشد.

دیدگاه اول: ابزار محسوس اندازه‌گیری و سنجش وزن مواد و کالاها			
دیدگاه تفسیری	تعریف و محتوای دیدگاه	نقاط قوت	نقاط ضعف
ابزار اندازه‌گیری و سنجش	«میزان» به عنوان ابزار فیزیکی؛ مانند ترازو برای سنجش وزن در معاملات و روابط اقتصادی تعبیر شده است.	تطابق با معنای لغوی	محدودیت در تبیین ابعاد معنوی و گسترده‌تر مفهوم «میزان»
		توجه به جنبه عملی عدالت در معاملات	

جدول ۲: دیدگاه اول

دیدگاه دوم: عدالت الهی

گروهی از مفسران در تفسیر این واژه به معنای وسیع عدالت پرداخته‌اند که این نظریه از وجهات تفسیری قابل توجهی برخوردار است (طوسی، ۱۴۱۳: ۱۵۴/۹؛ ابوالفتح رازی، ۱۳۷۱: ۱۱۰/۱۷؛ جرجانی، ۱۳۳۷: ۱۸/۹؛ مغنیه، ۱۴۲۴: ۵۱۸/۶؛ کاشانی، ۱۳۳۶: ۲۰۷/۸؛ شیبانی، ۱۳۷۷: ۳۷۳/۴).

آلوسی در تفسیر خود تصریح می‌کند که مراد از «میزان» همان عدل است (آلوسی، ۱۴۱۵: ۲۶/۱۳) و این نام‌گذاری از آن روست که همان‌گونه که ترازو وسیله‌ای برای برقراری انصاف و مساوات در سنجش اشیاء است، عدالت نیز چنین کارکردی در روابط انسانی دارد. این دیدگاه با استناد به آیه «وَأُمِرْتُ لِأَعْدِلَ بَيْنَكُمُ» (شوری/۱۵) که صراحتاً به عدالت اشاره دارد، تقویت می‌شود و نشان می‌دهد مفهوم میزان در این سیاق قرآنی نمی‌تواند جدای از معنای عدالت باشد (طباطبایی، ۱۳۷۸: ۵۱/۱۸). مفسران بزرگی مانند ابن عباس، قتاده، مجاهد و مقاتل نیز بر این باور بوده‌اند که میزان در این آیه کنایه از عدل است (طبرسی، ۱۴۰۸: ۴۰/۹؛ ابن عطیه، ۱۴۲۲: ۳۱/۵؛ قرطبی، ۱۳۶۴: ۱۵/۱۶). خداوند در کتاب‌های آسمانی خود همواره به برقراری عدل و مساوات فرمان داده است (طبری، ۱۴۲۲: ۴۸۹/۲۰؛ طبرسی، ۱۴۱۲: ۴۵/۴). از این منظر، نزول میزان به معنای نزول نظام عادلانه‌ای است که خداوند برای تنظیم روابط انسان‌ها مقرر کرده است (زمخشری، ۱۴۰۷: ۲۱۷/۴).

در تحلیل این دیدگاه می‌توان به چند نکته اساسی اشاره کرد: نخست آنکه از منظر لغوی، واژه «میزان» در زبان عربی به هر ابزار سنجشی، اعم از مادی و معنوی اطلاق می‌شود و عدالت به عنوان والاترین غایت و نتیجه آن، پیوندی ناگسستنی با مفهوم «قسط» در قرآن دارد. این ارتباط مفهومی به خوبی در آیاتی مانند «لَيَقُومَنَّ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» (حدید/۲۵) تجلی یافته است. ثانیاً از نظر سیاق آیات، هم‌جواری «کتاب» و «میزان» در آیه ۱۷ سوره شوری نشان می‌دهد که قرآن به عنوان منبع حق، همراه با نظام عادلانه‌ای نازل شده که می‌تواند جامعه را به سمت تعادل و توازن رهنمون شود. این تفسیر با آیاتی که نهی از طغیان در میزان می‌کنند (الرحمن/۸) و دستور به اقامه وزن به قسط می‌دهند (الرحمن/۹) کاملاً همخوانی

دارد. از سوی دیگر، ابن کثیر این عدل را معیاری الهی برای برقراری قسط در جامعه معرفی می‌کند (ابن کثیر، ۱۴۱۹: ۱۸۰/۷). وی با استناد به آیاتی همچون «وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» (حدید/۲۵)، بر نقش «میزان» در هدایت بشری و جلوگیری از طغیان تأکید می‌کند.

دیدگاه دوم از منظر فلسفی نیز قابل تأمل است؛ چرا که عدالت الهی در قرآن به عنوان حقیقتی فراتر از قوانین موضوعه بشری مطرح شده است؛ عدالتی که ریشه در فطرت انسان دارد و به عنوان معیاری ذاتی برای سنجش اعمال و روابط انسان‌ها عمل می‌کند. این نگاه جامع به مفهوم میزان، آن را از سطح یک ابزار مادی سنجش فراتر برده، به اصلی بنیادین تبدیل می‌کند که هم در حوزه فردی و هم در عرصه اجتماعی کاربرد دارد، همان‌گونه که برخی معتقدند خداوند متعال در شریعت خود عدالت و انصاف را مقرر کرده تا مردم در تمام شئون زندگی آن را ملاک عمل قرار دهند (قرشی مخزومی، ۱۴۱۰: ۵۸۹/۱).

طنطاوی نیز در تفسیر خود با اشاره به اینکه نامیدن عدل به میزان از باب نام‌گذاری چیزی به نام ابزار آن است، به این نکته ظریف اشاره می‌کند که همان‌گونه که ترازو وسیله‌ای برای انصاف در معاملات مادی است، عدالت نیز وسیله‌ای برای برقراری انصاف در تمامی روابط انسانی است (طنطاوی، ۱۳۸۲: ۲۵/۱۳) و بدین سان نشان می‌دهد مفهوم عدالت در قرآن تنها یک مفهوم انتزاعی نیست، بلکه به مثابه ابزاری کاربردی برای تنظیم روابط اجتماعی مطرح شده است؛ در نتیجه می‌توان گفت که تفسیر «میزان» به عدالت، از پشتوانه‌های متقن تفسیری، لغوی و عقلی برخوردار است. این تفسیر نه تنها با ظاهر آیات قرآن سازگاری کامل دارد، بلکه با سیاق نزول و اهداف کلی شریعت اسلامی نیز همخوانی تام دارد. از این رو، می‌توان آن را یکی از جامع‌ترین و مستدل‌ترین دیدگاه‌ها در تفسیر واژه «میزان» در آیه مورد بحث به شمار آورد. این نگرش تأکید می‌کند که عدالت الهی تنها یک مفهوم حقوقی یا اخلاقی نیست، بلکه نظامی جامع است که می‌تواند تمامی روابط فردی و اجتماعی انسان‌ها را تحت پوشش قرار دهد و به عنوان معیاری برای سنجش درست از نادرست عمل کند.

دیدگاه دوم: عدالت الهی			
دیدگاه تفسیری	تعریف و محتوای دیدگاه	نقاط قوت	نقاط ضعف
عدالت الهی	«میزان» نماد عدالت الهی است که در روابط انسانی و اجتماعی تجلی می‌یابد و به عنوان معیار سنجش اعمال عمل می‌کند	ارتباط با مفاهیم کلیدی قرآن؛ مانند «قسط»	نیاز به توضیح بیشتر دربارهٔ مصادیق عینی عدالت
		جامعیت در ابعاد فردی و اجتماعی	

جدول ۳: دیدگاه دوم

دیدگاه سوم: شریعت به مثابه ترازوی هدایت

واژه «میزان» در اصل به هر ابزار و معیاری اطلاق می‌شود که برای سنجش و اندازه‌گیری اشیاء و امور به کار می‌رود؛ اما در بستر آیات قرآن کریم - به ویژه با توجه به سیاق آیه ۱۷ سوره شوری و آیات مرتبط دیگر - این مفهوم معنایی عمیق‌تر و گسترده‌تر می‌یابد. بر اساس تحلیل مفسران، مراد از «میزان» در این آیات، همان دین الهی است که کتاب آسمانی (قرآن) حاوی و ناقل آن می‌باشد (فضل‌الله، ۱۴۳۹: ۳۹۱/۱۶). این تفسیر از چند جهت قابل تبیین و اثبات است: نخست آنکه دین به عنوان مجموعه‌ای کامل از اصول اعتقادی، احکام عملی و ارزش‌های اخلاقی، معیار سنجش همه‌جانبه‌ای برای عقاید و اعمال انسان‌ها محسوب می‌شود. در روز قیامت نیز این همان معیاری است که بر اساس آن، اعمال انسان‌ها ارزیابی و جزا داده خواهند شد.

شاهد این مدعا، آیه ۲۵ سوره حدید است که می‌فرماید: ﴿لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ﴾. کاربرد حرف اضافه «مع» در عبارت «مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ» به روشنی نشان می‌دهد که میزان چیزی جدا از کتاب نیست، بلکه همراه و ملازم آن است. این همراهی دلالت بر آن دارد که دین الهی - که در کتاب تجلی یافته - خود ترازوی

سنجش حق و باطل است (طباطبایی، ۱۳۷۸: ۵۱/۱۸؛ آلوسی، ۱۴۱۵: ۲۶/۱۳). بنابراین «میزان» به عنوان شریعت الهی معیاری برای سنجش حقوق و برقراری عدالت میان انسان‌ها به شمار می‌آید (بیضاوی، ۱۴۱۸: ۷۹/۵). این نظریه بر جنبه تشریعی و قانونمند مفهوم میزان تأکید دارد و آن را به عنوان محور عدالت اجتماعی و دینی معرفی می‌کند. کاشانی نیز در تفسیر خود تأکید می‌کند که خداوند شریعت عدل را نازل کرده تا بندگان در همه امور به آن پایبند باشند و نامیدن آن به «میزان» به این دلیل است که همچون ترازویی برای برقراری انصاف و مساوات میان بندگان عمل می‌کند (کاشانی، ۱۳۳۶: ۲۰۷/۸).

این تفسیر که میزان را دین می‌داند، از جامعیت قابل توجهی برخوردار است. از یک سو، دین به عنوان معیاری همه جانبه، تمام ابعاد زندگی انسان را دربرگرفته، به سنجش تبدیل می‌شود که می‌تواند حق را از باطل در همه عرصه‌ها تمیز دهد. از سوی دیگر، با سیاق کلی آیات قرآن درباره قیامت و حساب و کتاب انسان‌ها همخوانی دارد؛ زیرا در آیات متعددی همچون آیات سوره اعراف (۸-۹) و مؤمنون (۱۰۲-۱۰۳) به «موازين» به عنوان معیارهای سنجش اعمال در روز قیامت اشاره می‌شود که مؤید همین دیدگاه است.

نکته عمیق‌تر این است که این «میزان» تنها یک معیار نظری نیست، بلکه در زندگی عملی و اجتماعی انسان‌ها تجلی می‌یابد. وقتی قرآن تأکید می‌کند که پیامبران با کتاب و میزان فرستاده شده‌اند «لَيَقُومَنَّ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» (تا مردم به عدالت رفتار کنند)، نشان می‌دهد که این ترازوی الهی باید در روابط اجتماعی، اقتصادی و سیاسی انسان‌ها نمود عینی پیدا کند. به بیان دیگر، دین به عنوان میزان، هم سنجش‌ای برای تشخیص حق از باطل است و هم الگویی برای تحقق عدالت در جامعه.

از این منظر، تفسیر «میزان» به عنوان دین الهی، هم به جنبه نظری و هم به بُعد عملی آن توجه دارد. این نگاه جامع، دین را از حیطه‌ای تنها فردی و معنوی فراتر برده، آن را به معیاری برای ساماندهی حیات اجتماعی تبدیل می‌کند. چنین تفسیری از «میزان» می‌تواند پاسخ‌گوی نیازهای انسان در همه اعصار باشد؛ چرا که هم معیاری ثابت برای تشخیص حق از باطل ارائه می‌دهد و هم الگویی پویا برای تحقق عدالت در شرایط

دیدگاه سوم: شریعت به مثابه ترازوی هدایت			
دیدگاه تفسیری	تعریف و محتوای دیدگاه	نقاط قوت	نقاط ضعف
شریعت به مثابه ترازوی هدایت	«میزان» به عنوان مجموعه قوانین و احکام الهی (شریعت) تفسیر می شود که معیار سنجش اعمال و رفتار است	ارتباط مستقیم با نزول کتاب و شریعت توجه به جنبه نظری و عملی دین	اشاره نکردن صریح به نقش مجریان شریعت در تحقق عدالت

جدول ۴: دیدگاه سوم

دیدگاه چهارم: پیامبر و ائمه علیهم السلام تجسم زنده میزان الهی

در میان تفاسیر مختلفی که درباره مفهوم «میزان» در آیات ارائه شده است، دیدگاه قابل تأملی وجود دارد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله را مصداق عینی این واژه می داند. این تفسیر اگرچه در نگاه اول ممکن است با معنای ظاهری «میزان» به عنوان ابزار سنجش مادی متفاوت به نظر برسد، با تأمل در ابعاد مختلف شخصیت پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و جایگاه ایشان در نظام هدایت الهی، می توان به عمق این نگاه پی برد. درواقع، این تفسیر بر آن است که همان گونه که ترازو وسیله ای برای سنجش وزن اشیاء است، وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز معیاری برای سنجش حق و باطل، و میزان تشخیص درستی و نادرستی اعمال و عقاید است. برخی مفسران این دیدگاه را با ارجاع به مفهوم کلی دین الهی تبیین کرده اند؛ چرا که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله تجسم کامل و عینی دین در تمام ابعاد آن است. به این ترتیب، میزان دین داری هر فرد با میزان تبعیت و شباهت او به پیامبر خدا صلی الله علیه و آله سنجیده می شود. هرچه این شباهت در عقاید و اعمال بیشتر باشد، نشان دهنده درجات بالاتر ایمان و تقواست (طباطبایی، ۱۳۷۸: ۵۱/۱۸).

این تفسیر از «میزان» درحقیقت معنایی جامع و چندبُعدی را دربرمی‌گیرد. از یک سو به معنای لغوی «ترازو» و ابزار سنجش وزن اشاره دارد و از سوی دیگر، در معنای کنایی و گسترده‌تر، شامل هرگونه معیار سنجش، قانون الهی و حتی شخصیت‌های الهی؛ مانند پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و امامان معصوم علیهم السلام می‌شود که مظهر کامل حق و عدالت هستند. در این دیدگاه، میزان قیامت نیز نمونه‌ای از همین مفهوم کلی است که در عالم آخرت تجلی می‌یابد (بلاغی، ۱۳۴۴: ۹۴/۶؛ مدرّسی، ۱۴۱۹: ۳۱۲/۱۲؛ کاشانی، ۱۳۳۶: ۲۰۷/۸؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۲۰/۳۹۲؛ رضایی اصفهانی، ۱۳۸۷: ۲۷۷/۱۸). روایتی از علقمه نیز مؤید این دیدگاه است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را میزان و معیاری معرفی می‌کند که در میان مردم بر اساس قرآن قضاوت می‌نماید (طبرسی، ۱۴۰۸: ۴۰/۹).

بر اساس این نگرش، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به عنوان شخصیتی متعادل و معتدل که بنیان‌گذار نظام عدالت است، مصداق کامل «میزان» الهی محسوب می‌شود. نزول میزان در این تفسیر به معنای بعثت و ارسال پیامبر خدا صلی الله علیه و آله است (کاشانی، ۱۳۳۶: ۲۰۷/۸). در حقیقت، رسول الله صلی الله علیه و آله تجسم کامل دین، معارف و احکام الهی است و تمام شئون وجودی مؤمنان، عقاید و اعمالشان با این الگوی کامل سنجیده می‌شود. هرچه میزان تبعیت و شباهت فردی به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در عقیده و عمل بیشتر باشد، نشان‌دهنده درجات بالاتر ایمان و تقرب به خداوند است (حسینی همدانی، ۱۳۸۰: ۳۷/۱۵). در برخی تفاسیر شیعی، این مفهوم به امیرالمؤمنین علی علیه السلام نیز تعمیم داده شده است، چنان‌که در زیارات مربوط به ایشان نیز به این نکته اشاره شده است (حویزی، ۱۴۱۵: ۵۶۸/۴؛ طیب، ۱۳۷۸: ۴۷۱/۱۱؛ فیض کاشانی، ۱۳۷۳: ۳۷۰/۴)، همچنان‌که در تفاسیر دیگر نیز «میزان» تجسم عینی عدالت الهی در شخصیت امیرالمؤمنین و امامان معصوم علیهم السلام دانسته شده است (قمی، ۱۴۰۴: ۲۷۴/۲؛ بحرانی، ۱۴۱۵: ۸۱۳/۴).

این دیدگاه در تحلیل نهایی، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و امامان معصوم علیهم السلام را مصادیق کامل عدالت الهی و معیار سنجش اعمال و اعتقادات انسان‌ها معرفی می‌کند. این تفسیر از «میزان» تنها به جنبه‌های ظاهری و مادی عدالت محدود نمی‌شود، بلکه ابعاد معنوی و

اخلاقی آن را نیز دربرمی گیرد. امامان معصوم علیهم السلام به دلیل آگاهی کامل از احکام قرآن و حدود الهی، بهترین معیار برای سنجش اعمال انسان ها محسوب می شوند. میزان پیروی از این الگوهای الهی، معیار ارزش گذاری اعمال و عقاید است. بدین سان، این دیدگاه «میزان» را مفهومی جامع می داند که هم شامل قوانین و احکام الهی می شود و هم شخصیت هایی که این قوانین را به کامل ترین شکل ممکن در زندگی خود پیاده کرده اند. این نگرش، عدالت را نه به عنوان مفهومی انتزاعی و نظری، بلکه به عنوان الگویی عملی و عینی در زندگی انسان ها مطرح می سازد که در سیره و رفتار پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه اطهار علیهم السلام تجلی یافته است.

دیدگاه چهارم: پیامبر و ائمه علیهم السلام تجسم زنده میزان الهی			
دیدگاه تفسیری	تعریف و محتوای دیدگاه	نقاط قوت	نقاط ضعف
پیامبر و ائمه علیهم السلام تجسم زنده میزان الهی	پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و امامان معصوم علیهم السلام مصادیق عینی عدالت و معیار سنجش اعمال و عقاید معرفی شده اند	تبیین نقش الگویی معصومین علیهم السلام	چالش برانگیز بودن برای مذاهب غیر شیعی
		ترکیب جنبه نظری و عملی عدالت	

جدول ۵: دیدگاه چهارم

دیدگاه پنجم: قرآن، ترازوی سنجش حق و باطل

در میان تفاسیر مختلفی که درباره مفهوم «میزان» در قرآن کریم ارائه شده است، گروهی از مفسران بر این باور تأکید دارند که قرآن خود به عنوان «میزان» و معیار سنجش الهی عمل می کند (طوسی، ۱۴۱۳: ۱۵۴/۹؛ ابوالفتوح رازی، ۱۳۷۱: ۱۱۰/۱۷؛ جرجانی، ۱۳۳۷: ۱۸/۹؛ مغنیه، ۱۴۲۴: ۵۱۸/۶؛ قرشی، ۱۳۷۷: ۴۷۴/۹). تفسیر مذکور بر این نکته استوار است که قرآن کریم با دارا بودن معارف ناب الهی، عقاید حق و احکام دقیق شریعت، اساس

سعادت بشر و راه مستقیم عبودیت را ترسیم کرده است. بر این اساس، ایمان و اعمال مؤمنان با معیارهای قرآنی سنجیده می‌شود و سرنوشت نهایی انسان‌ها - اعم از سعادت جاودانه یا شقاوت ابدی - در گرو میزان انطباق با این معیارهای الهی است. به عبارت دیگر، آیات قرآن به مثابه ترازوی الهی عمل می‌کنند که هم مبنای استقرار عدالت، مواسات و نظام عادلانه معیشت در جامعه اسلامی است و هم معیار نهایی سنجش اعمال در روز قیامت خواهد بود. این تفسیر از مفهوم میزان، قرآن را محور اصلی در تمام شئون زندگی فردی و اجتماعی مؤمنان قرار می‌دهد (حسینی همدانی، ۱۳۸۰: ۳۶/۱۵).

نکته قابل تأمل در این دیدگاه آن است که قرآن نه تنها به عنوان کتاب هدایت، بلکه به عنوان میزان تشخیص حق از باطل عمل می‌کند. این ویژگی قرآن باعث شده است که در تمام دوران‌ها معیار سنجش صحت و سقم عقاید و اعمال باشد. در واقع، شاخص‌های دقیقی که قرآن برای سعادت و شقاوت انسان‌ها تعیین کرده، همان میزان الهی است که در روز جزا بر اساس آن به اعمال بشر رسیدگی خواهد شد. این شاخص‌ها که دربرگیرنده تمام ابعاد وجودی انسان است، مجموعه‌ای کامل از قوانین الهی را تشکیل می‌دهد که باید اساس زندگی فردی و اجتماعی مسلمانان قرار گیرد (امین، بی‌تا: ۳۶۵/۱۱). تأمل در این دیدگاه نشان می‌دهد که قرآن به عنوان میزان الهی، هم جنبه تشریعی دارد و هم جنبه تکوینی؛ یعنی هم در دنیا مبنای قانون‌گذاری و هم در آخرت معیار سنجش اعمال است. در تحلیل این نظریه باید توجه داشت که تشبیه قرآن به ترازو تنها یک تشبیه ظاهری نیست، بلکه بیانگر عمق نقش قرآن در ایجاد تعادل و عدالت در تمام شئون زندگی است. همان‌طور که ترازو نماد عدالت و برابری در معاملات مادی است، قرآن نیز به عنوان میزان الهی، نماد عدالت در تمام ابعاد معنوی و مادی زندگی بشر محسوب می‌شود. این تشبیه از آن جهت عمیق‌تر می‌شود که بدانیم در روز قیامت نیز میزان الهی بر اساس معیارهای قرآنی عمل خواهد کرد و هر کس به اندازه انطباق اعمالش با این معیارها، پاداش یا کیفر خواهد دید (بروجردی، ۱۳۹۷: ۴۳۷/۸). این نگاه جامع به قرآن به عنوان میزان، نشان‌دهنده آن است که قرآن تنها یک کتاب معمولی نیست، بلکه نظام‌نامه‌ای کامل برای سعادت

دنیوی و اخروی بشر است.

در ادامه این تحلیل باید اشاره کرد که دیدگاه مذکور با تفسیرهای دیگر از مفهوم میزان نیز قابل جمع است؛ به این معنا که وقتی قرآن، میزان الهی معرفی می‌شود، طبیعتاً پیامبر اکرم ﷺ و امامان معصوم ﷺ نیز به عنوان مفسران و مجریان قرآن، خود تجسم عینی این میزان الهی محسوب می‌شوند. این نگاه به‌ویژه در مکتب تشیع مورد تأکید قرار گرفته است که ائمه ﷺ را قرآن ناطق و مفسران حقیقی معارف الهی می‌دانند (جعفری، ۱۳۹۸: ۱۷۱/۱۰). بنابراین، قرآن به عنوان میزان الهی از یک سو متن نوشته شده و از سوی دیگر در وجود مقدس معصومین ﷺ متجلی شده است. این جامعیت دیدگاه، آن را از دیگر تفسیرها متمایز می‌کند و نشان می‌دهد که چگونه می‌توان میان نظریات مختلف درباره مفهوم «میزان» هماهنگی ایجاد کرد.

دیدگاه پنجم: قرآن، ترازوی سنجش حق و باطل			
دیدگاه تفسیری	تعریف و محتوای دیدگاه	نقاط قوت	نقاط ضعف
قرآن، ترازوی سنجش حق و باطل	قرآن به عنوان معیار الهی برای تشخیص حق از باطل در تمام ابعاد زندگی فردی و اجتماعی عمل می‌کند	جامعیت قرآن به عنوان منبع هدایت	نیاز به تبیین بیشتر درباره نقش مفسران قرآن (معصومین) در اجرای عدالت
		تطابق با سیاق آیات مربوط به قیامت	

جدول ۶: دیدگاه پنجم

تحلیل رابطه مفهوم کلی و مصادیق عینی

مفهوم، یک معنای کلی و انتزاعی؛ مثل «عدالت»، «هدایت» و «امامت» است که همه مکاتب اسلامی ممکن است بر سر کلیت این مفهوم توافق داشته باشند؛ اما مصداق، فرد

یا شیء عینی و خارجی است که آن مفهوم در او تجلی کامل یافته است، مانند: «امیرالمؤمنین علی علیه السلام به عنوان مصداق اتم امامت».

به نظر می‌رسد وجوه اشتراک عمیقی میان دیدگاه‌های به ظاهر متعدد در تفسیر «میزان» وجود دارد. به بیان دقیق‌تر، می‌توان ادعا کرد که در یک نقطه اساسی هم‌پوشانی دارند و آن، تأکید بر «میزان» به عنوان نماد «عدالت»، «حق» و «معیار سنجش الهی» است. این مفهوم کلی، هسته مرکزی تمامی خوانش‌ها از این واژه قرآنی را تشکیل می‌دهد؛ اما آنچه موجب تنوع تفسیری شده است، نه نفی این مفهوم کلی، بلکه تعیین مصداق اتم برای تحقق آن در عرصه هستی است. ممکن است اختلافات ظاهری از «میزان»، یک اختلاف حقیقی نباشد، بلکه یک اختلاف در سطح «مصداق» باشد، نه «مفهوم». به عبارت دیگر، پرسش اصلی این است: این معیار سنجش الهی در چه چیزی یا چه کسی عینیت می‌یابد؟ در پاسخ به این پرسش است که تفاوت‌های مکاتب ظهور می‌کند:

دیدگاه نخست، مصداق را در ابزار مادی (ترازو) جست‌وجو می‌کند. دیدگاه دوم، آن را در سازه اجتماعی - اخلاقی (عدالت) متجلی می‌داند. دیدگاه سوم، مصداق آن را سازه قانونی - تشریعی (شریعت) معرفی می‌کند. دیدگاه پنجم، متن مقدس (قرآن) را تجلی‌گاه آن می‌شمارد، ولی دیدگاه چهارم، مصداق اتم را شخصیت معصوم (پیامبر و ائمه) می‌داند که حامل، مفسر و مجری هم‌زمان قرآن و شریعت است.

بر این اساس، می‌توان ادعا کرد تفسیر مکتب تشیع نه در تقابل، بلکه در تکمیل و به کمال رساندن دیگر تفاسیر قرار دارد. این دیدگاه با پذیرش مفهوم کلی «عدالت الهی» (که مورد تأکید تفاسیر اهل سنت است)، درصدد تعیین مصداق عینی و بی‌بدیل برای آن برمی‌آید. استدلال محوری این است که مفاهیم انتزاعی؛ مانند «عدالت» و «شریعت» بدون مجریانی معصوم، عالم و عادل، همواره در معرض تحریف، تفسیر به رأی و تحقق نیافتن به طور کامل قرار دارند. بنابراین، «میزان» به عنوان یک مفهوم، نیازمند «میزان» به عنوان یک مصداق زنده و گویاست. این نگاه، اختلاف را از سطح «مفهوم» به سطح «مصداق» انتقال می‌دهد و افق‌های جدیدی برای گفت‌وگوهای بیشتر می‌گشاید. این تحلیل، پاسخ

محکمی به برخی ادعاهاست که تفسیر شیعی را «غلوآمیز» یا «انحرافی» از مفهوم قرآنی می‌داند. اگر این نظریه ثابت شود، نشان می‌دهد دعوی شیعه و سنی بر سر «میزان» یک دعوی لفظی یا ناشی از خلط منطقی است، نه یک اختلاف اساسی در اصل مفهوم. این یافته می‌تواند به تقریب مذاهب اسلامی کمک شایانی کند.

۷. نتیجه‌گیری

این پژوهش با بررسی تطبیقی تفسیر واژه «میزان» در آیه شریفه «اللّٰهُ الَّذِي أَنْزَلَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ وَالْمِيزَانَ»، به تحلیل معنایی این مفهوم کلیدی در قرآن کریم پرداخته است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که این کلمه در پنج چهارچوب تفسیری اصلی قابل بررسی است.

در همین زمینه، برخی مفسران با استناد به معنای لغوی، میزان را به عنوان ابزار فیزیکی سنجش وزن تفسیر کرده‌اند. این دیدگاه هرچند از پشتوانه لغوی برخوردار است، از تبیین ابعاد گسترده‌تر مفهوم میزان ناتوان است. دیدگاه دوم با تأکید بر جنبه‌های مفهومی، میزان را نماد عدالت الهی می‌داند که در روابط انسانی و اجتماعی تجلی می‌یابد. این تفسیر با آیاتی که بر قسط و عدل تأکید دارند، همخوانی کامل دارد.

در دیدگاه دیگر، میزان به عنوان مجموعه قوانین و احکام الهی تفسیر می‌شود که معیار سنجش اعمال و رفتار انسان‌هاست. این دیدگاه با سیاق آیات مرتبط با نزول کتاب و شریعت هماهنگی دارد. از سوی دیگر، در تفاسیر شیعی، میزان به عنوان مصداق عینی عدالت الهی، شامل شخصیت پیامبر اکرم ﷺ و ائمه اطهار علیهم‌السلام می‌شود. این دیدگاه بر نقش الگویی معصومین در تحقق عدالت تأکید دارد. همچنین برخی مفسران، قرآن را میزان الهی معرفی می‌کنند که معیار سنجش حق و باطل در تمام ابعاد زندگی است.

پس از بررسی تطبیقی پنج دیدگاه اصلی در تفسیر واژه «میزان» در آیه شریفه «اللّٰهُ الَّذِي أَنْزَلَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ وَالْمِيزَانَ»، می‌توان دریافت که این مفهوم در بستر قرآنی از جامعیتی چندبعدی برخوردار است. با این حال، عصاره دیدگاه‌های مطرح شده را می‌توان در تلفیقی از تفسیرهای سوم و چهارم خلاصه کرد؛ یعنی «میزان» به عنوان شریعت الهی (مجموعه

قوانین و احکام الهی) که مصادیق عینی و کامل آن در شخصیت پیامبر اکرم ﷺ و امامان معصوم ﷺ تجلی یافته است. این نگرش از چند جهت حائز اهمیت است:

۱. جنبه نظری: شریعت الهی به عنوان نظامی جامع، معیار سنجش حق و باطل در تمام ابعاد زندگی فردی و اجتماعی است. قرآن کریم به عنوان منبع اصلی این شریعت، ترازوی الهی برای تشخیص عدالت از ظلم، توازن از طغیان، و حق از باطل محسوب می شود. این دیدگاه با آیاتی که بر نقش کتاب و میزان در هدایت بشر تأکید دارند (حدید/ ۲۵) همخوانی کامل دارد.

۲. جنبه عملی: شریعت الهی تنها در قالب متون و قوانین انتزاعی محدود نمی شود، بلکه نیازمند مجریان و مفسرانی است که بتوانند آن را به صورت عینی در جامعه پیاده کنند. از این رو، پیامبر اکرم ﷺ و ائمه ﷺ به عنوان «قرآن ناطق» و الگوهای عملی عدالت، تجسم زنده «میزان الهی» هستند. روایات متعددی از جمله حدیث ثقلین بر این هم ارزی قرآن و عترت تأکید دارند، که نشان می دهد معصومین ﷺ همانند قرآن، معیار سنجش اعمال و عقاید هستند.

۳. تقریب بین مذاهب: اگرچه تفاسیر شیعی بر نقش امامت در تحقق عدالت تأکید دارند و تفاسیر اهل سنت بیشتر به جنبه های عمومی شریعت می پردازند، این دو دیدگاه در اصل ضرورت وجود «میزان» برای هدایت بشر مشترک هستند. تلفیق این دو نگاه نشان می دهد که شریعت بدون مجریان آگاه و عادل، نمی تواند به عدالت کامل بینجامد.

۴. انسجام مفهومی: این تفسیر از یک سو از تقلیل گرایی دیدگاه نخست (ابزار مادی سنجش) پرهیز می کند و از سوی دیگر، با جمع بندی دیدگاه های دوم (عدالت الهی) و پنجم (قرآن به عنوان میزان)، به درکی جامع از «میزان» می رسد که هم شامل قوانین الهی است و هم الگوهای عملی آن.

با توجه به شواهد قرآنی، روایی و تفسیری، «میزان» در آیه ۱۷ سوره شوری مفهومی چندلایه دارد که هم به شریعت الهی به عنوان چهارچوب نظری عدالت اشاره می کند و هم به پیامبر اکرم ﷺ و ائمه ﷺ به عنوان تجلی گاه عینی این شریعت. این نگرش نه تنها با سیاق آیه و اهداف کلی قرآن سازگار است، بلکه می تواند به عنوان پایه ای برای مطالعات

میان مذهبی در حوزه عدالت و هدایت الهی مورد استفاده قرار گیرد. از سوی دیگر تحلیل رابطه مفهومی-مصادیقی می تواند نقش بسزایی در تبیین موضوع داشته باشد:

در سطح مفهوم، «میزان» به مثابه شریعت الهی (تفسیر سوم) و عدالت (تفسیر دوم) است که در قرآن کریم (تفسیر پنجم) تبلور یافته است. این مفهوم کلی، معیار سنجش حق و باطل در تمامی عرصه هاست و مورد اتفاق مسلمین است. اما در سطح مصداق، این مفهوم کلی برای تحقق در عالم خارج، نیازمند مصداق عینی و معصوم است تا هم آن را به درستی تفسیر کند و هم به طور کامل اجرا نماید. بر این اساس، پیامبر اکرم ﷺ و امامان معصوم ﷺ (تفسیر چهارم)، مصادیق اتم و بی بدیل میزان الهی هستند. آنان «قرآن ناطق» و مجریان راستین شریعتی هستند که خود، عینیت و تجسم آن می باشند.

این نگرش دو سطحی، پاسخی به شبهه تفکیک مفهوم و مصداق است و نشان می دهد تفسیر شیعی، مفهوم «عدالت» و «شریعت» را نفی نمی کند، بلکه مصداق کامل آن را معرفی می نماید. این رویکرد، هم از تقلیل گرایی دیدگاه نخست پرهیز می کند و هم با جمع بندی دیدگاه های دوم، سوم و پنجم، به درکی جامع و منسجم از «میزان» می رسد که هم شامل چهارچوب نظری (قوانین الهی) است و هم الگوهای عملی آن (معصومین). شیعه مفهوم «عدالت» و «شریعت» را می پذیرد، اما معتقد است این مفاهیم در دنیای خارج، بدون «مصداق عینی و معصوم» تحقق نمی یابند. بنابراین، اختلاف اصلی بر سر «مصداق» است، نه خود «مفهوم میزان».

منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه ناصر مکارم شیرازی، انتشارات امام علی بن ابی طالب علیه السلام، قم، ۱۳۸۹ ش.
۲. نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، بنیاد نهج البلاغه، تهران، ۱۳۷۹ ش.
۳. آلوسی، محمود بن عبدالله، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، دارالکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۱۵ ق.
۴. ابن عطیه، عبدالحق بن غالب، المحرر الوجیز فی تفسیر الکتاب العزیز، دارالکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۲۲ ق.
۵. ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، تفسیر القرآن العظیم، دارالکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۱۹ ق.

۶. ابن منظور، محمد بن مکرم، *لسان العرب*، دارصادر، بیروت، ۱۴۱۴ق.
۷. ابوالفتوح رازی، حسین بن علی، *روح الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن*، بنیاد پژوهش های اسلامی، مشهد، ۱۳۷۱ ش.
۸. امین، سیده نصرت، *مخزن العرفان در تفسیر قرآن*، انجمن حمایت از خانواده های بی سرپرست اصفهان، اصفهان، بی تا.
۹. بحرانی، هاشم بن سلیمان، *البرهان فی تفسیر القرآن*، مؤسسة البعثة، قم، ۱۴۱۵ق.
۱۰. بروجردی، مصطفی، *تفسیر شمس*، مؤسسه بوستان کتاب، قم، ۱۳۹۷ق.
۱۱. بلاغی، عبدالحجّه، *حجّة التفاسیر و بلاغ الإکسیر*، چاپخانه حکمت، قم، ۱۳۴۴ش.
۱۲. بیضاوی، عبدالله بن عمر، *أنوار التنزیل و أسرار التأویل*، داراحیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۱۸ق.
۱۳. جرجانی، حسین بن حسن، *جلاء الأذهان و جلاء الأحزان فی تفسیر القرآن؛ تفسیر گازر*، بی نا، بی جا، ۱۳۳۷ش.
۱۴. جعفری، یعقوب، *تفسیر کوثر*، هجرت، قم، ۱۳۹۸ش.
۱۵. حسینی همدانی، محمد، *انوار درخشان در تفسیر قرآن*، لطفی، تهران، ۱۳۸۰ق.
۱۶. حمیری، نشوان بن سعید، *شمس العلوم و دواء کلام العرب من الکوم*، دارالفکر، سوریه، ۱۴۲۰ق.
۱۷. حویزی، عبدعلی بن جمعه، *نور الثقلین*، اسماعیلیان، قم، ۱۴۱۵ق.
۱۸. ذاکری، نسرین، «مفهوم میزان در قرآن و روایات»، پایان نامه کارشناسی ارشد، ۱۳۹۵ش.
۱۹. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، *مفردات الفاظ قرآن*، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۴۱۲ق.
۲۰. رضایی اصفهانی، محمدعلی، *تفسیر قرآن مهر*، پژوهش های تفسیر و علوم قرآن، قم، ۱۳۸۷ش.
۲۱. زرکشی، محمد بن عبدالله، *البرهان فی علوم القرآن*، دارالمعرفه، بیروت، ۱۴۱۰ق.
۲۲. زمخشری، محمود بن عمر، *الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل*، دارالکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۰۷ق.
۲۳. سرافرازی اردکانی، محمدرضا، «میزان در روز جزا از منظر قرآن و سنت و پاسخ به شبهات»، پایان نامه کارشناسی ارشد، ۱۳۹۰ش.
۲۴. سیوطی، جلال الدین عبدالرحمن، *الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور*، کتابخانه عمومی آیت الله العظمی مرعشی نجفی، قم، ۱۴۰۴ق.
۲۵. شاه عبدالعظیمی، حسین، *تفسیر اثنی عشری*، میقات، تهران، ۱۳۶۳ش.
۲۶. شیبانی، محمد بن حسن، *نهج البیان عن کشف معانی القرآن*، نشر الهادی، قم، ۱۳۷۷ش.
۲۷. طباطبایی، سید محمد حسین، *تفسیر المیزان*، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، بیروت، ۱۳۵۲ش.
۲۸. طباطبایی، سید محمد حسین، *تفسیر المیزان*، ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم، ۱۳۷۸ش.
۲۹. طبرسی، فضل بن حسن، *تفسیر جوامع الجامع*، مرکز مدیریت حوزه علمیه قم، قم، ۱۴۱۲ق.
۳۰. طبرسی، فضل بن حسن، *تفسیر جوامع الجامع*، ترجمه گروه مترجمان، بنیاد پژوهش های اسلامی،

مشهد، ۱۳۷۷ش.

۳۱. طبرسی، فضل بن حسن، *مجمع البیان*، دارالمعرفه، بیروت، ۱۴۰۸ق.
۳۲. طبری، محمد بن جریر، *جامع البیان عن تأویل آی القرآن: تفسیر الطبری*، دارالهجر، قاهره، ۱۴۲۲ق.
۳۳. طریحی، فخرالدین، *مجمع البحرین*، مکتبه المرتضویه، تهران، ۱۳۷۵ش.
۳۴. طنطاوی، محمد سید، *الوسیط فی تفسیر القرآن المجید*، دارالنهضة المصرية، قاهره، ۱۳۸۲ش.
۳۵. طوسی، محمد بن حسن، *التبیان فی تفسیر القرآن*، مکتبه الاعلام الاسلامی، تهران، ۱۴۱۳ق.
۳۶. طبیب، سید عبدالحسین، *أطیب البیان فی تفسیر القرآن*، اسلام، تهران، ۱۳۷۸ش.
۳۷. عاملی، ابراهیم، *تفسیر عاملی*، کتاب فروشی صدوق، تهران، ۱۳۵۹ش.
۳۸. فضل الله، محمد حسین، *تفسیر من وحی القرآن*، دارالملاک للطباعة و النشر و التوزیع، بیروت، ۱۴۳۹ق.
۳۹. فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی، *تفسیر صافی*، مکتبه الصدر، تهران، ۱۳۷۳ش.
۴۰. قرائتی، محسن، *تفسیر نور*، مرکز فرهنگی درس هایی از قرآن، تهران، ۱۳۸۸ش.
۴۱. قرشی مخزومی، مجاهد بن جبر، *تفسیر مجاهد*، دارالفکر الاسلامی الحدیثه، مصر، ۱۴۱۰ق.
۴۲. قرشی، سید علی اکبر، *قاموس قرآن*، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۷۱ش.
۴۳. قرشی، سید علی اکبر، *تفسیر احسن الحدیث*، بنیاد بعثت، تهران، ۱۳۷۷ش.
۴۴. قرطبی، محمد بن احمد، *الجامع لأحكام القرآن*، ناصر خسرو، تهران، ۱۳۶۴ش.
۴۵. قفای، ربابه، «بررسی مفهوم معادشناختی میزان در قرآن و تفاسیر»، پایان نامه کارشناسی ارشد، ۱۳۹۵ش.
۴۶. قمی، علی بن ابراهیم، *تفسیر قمی*، دارالکتاب، قم، ۱۴۰۴ق.
۴۷. کاشانی، فتح الله بن شکرالله، *تفسیر کبیر منهج الصادقین فی إلزام المخالفین*، کتاب فروشی و چاپخانه محمد حسن علمی، تهران، ۱۳۳۶ش.
۴۸. لطفی، سید مهدی و سمانه میرسعیدی، «معناشناسی واژه کتاب در قرآن بر پایه روابط هم نشینی»، *پژوهش های زبان شناختی قرآن*، سال چهارم، شماره ۲، ۱۳۹۴ش، ص ۱۳۷-۱۵۸.
۴۹. محقق، محمد باقر، *ترجمه و تفسیر قرآن کریم*، محقق، تهران، ۱۳۸۰ش.
۵۰. مدرّسی، محمد تقی، *من هدی القرآن*، دارمحبّی الحسین (علیه السلام)، تهران، ۱۴۱۹ق.
۵۱. مصطفوی، حسن، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران، ۱۳۶۸ش.
۵۲. مغنیه، محمد جواد، *تفسیر کاشف*، دارالکتاب الاسلامی، تهران، ۱۴۲۴ق.
۵۳. مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، *تفسیر نمونه*، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۷۴ش.